

四

قره مقتله هر گز عوامی نیو
تمارون عبادت و خیرت رو و مرد
فترت را برای گشود زیر چشم
جهان و پر خلاق قانون آمد
نایخواسته این مشروطه بود
نهیخواسته قفترت برای ایران
و در غلب مجلس شورای مملکت
برای مملکتی بیش آمده و ای
جز بانای اتفاق افتاده که مدنی
بوده است بنابراین دولتی
پلافلد انتقام این شروع
ایران که قانون باو معنو داد
کمال عراقیت و وقت انجام داد
هر سکون ایجاد شد تسبیح داد
کوچکترین اعمال نیز و نه
دولتی در استفاده از حقوقی
انتخاب و کلای خودداری نهاد
(نایبند گان — اعانت) مدنی
نایبندی اعم از ارش و زاده از
در ایشورود از هر گونه مداخله
جداً متنوع میشوند همچنان ای
فرم سازان و پژوهشگران جز
قانون انتخابات برای آنها فرمان
نهاده شدند اشت اگر قرار باشد
دووات که حافظ حقوق جامی
مشروع ترین و مسلم ترین و ای
حقوق عمومی که انتخابات ای
نایبند دولت در پر ای افکاره
مقصر و گناهکار شناخته شود ای
که در طول مبارزات سیاسی شو
نایبند این حق مقدس میباشند که
صورت ایازه نخواهند داد که ای
مرتبه و مقام که باشد باین حق
اساسی جامعه تجاوز کند و ای
افکار عالم را زیر پا بگذارد و ای
نایبند گان محترم بیز در حسن ای
دووات را نایب خواهند فرمود
هم ای ای و مکاری در این ای مدنی
داشت و چنانکه اشاره کردند
نمایبند گکن محترم باقیتیه نایب
با احساسات مردم محروم هموطن
شایق آزادی و طالب ای ای دیگر
و ای ای و ملی هستند جواب میگیرند
ایند آنها و آرزوها آنها مو
قدیمی کرده اند بخشی از نگرانی
در قیاب ای ای ای ای ای ای ای
غذوان فرموده اند در پیاده عکس
میگلیں و دولت بگلی عرق خی
ملت پای غور و شبد ای ای ای ای ای ای
کمال رشد سیاسی و بلوغ ای ای ای
ثابت کرده ممکن بست آلت و
تبیانات خود را پوشش قرار گیرد
نایبندیم که ای ای ای ای ای ای ای
اظربایت دولت در پیاده اصلاحات آی
انتخابات هر ای ای ای ای ای ای ای ای
ساخت مقدس مجلس شورای ملی داد

د و پیشتر صد
ری تدوین شده است
تقریباً تا سال ۱۹۷۰
کسر جو داشتم از
آن را بازداشت کرد
و گوییم شود
که از این موقایت
کل اوقایت سوی
روی تلاطف قانون
نمایش تعمیر ندارد
که بتوان آن را ضبط کرد
نشانه ایست دارد
که بعد واضح شر
از زیرم که از
جاواز قوانی
که مردم برای
لوگویی تایم
تصویس قوانی
بری و شور یا ای
غیر قانونی
استاداران و
یا ظایفی که
داشته باشد
و دامادوین
هستند بدر
بینندگانی این
ست دخالت
و می و مجلس
دشادیسته ای
دهیش برای
کرده ام پریچ
هدی در هر
حق جوانی و
احساسات و
جهانی این
جزای قانونی
از هر گونه
یکه نخواهد
آنکه تریت
و واضح
خود که
ده کرامی
داند و پس
اتفاق و هم
ش همان که
گان محترم
ی صیبا
و راهنمایی
ازد حساس
اعی شود را
هر یکی است و

رایی از
کامپیو
تی
سرویس
ر
دیجیک
ردههای دینی
دینی های
ح
فرآ
ملکتی
است)
وظیفهای
درامر ۱
حسن نبی
ماموریت
پاکستان
ولی دری
اینجا فر
چون در
می رأی
میچ دوبل
اندامی
۲۶ آذر
گند (م
شورای ما
پیشنهاد
لین من ت
داشتہ پاش
تو پڑھی
نیشن
توجیه است
می وستار
هارویون ۰
شورای ما
فایوئی کے
است کہ
است و دو
اجرا گند ک
شما نمی خم
سابق رات
(پناہی - ۴
(سرتیپیز
جلالت) و
مصالح جعل
است افغانون
ودولات ایضا
پسکند آذ
ند از پدر ای
دجالس شور
(معیع است
می نمیتوانند
من اینجا یه
که قانون ا
خود میرادست
شمانهایند کا

نیز این میگذارند که
برای این دو دسته از
کل (زاده) ایس - (زاده)
کلیکی خواهد بود.
مگر اگر تضاد
روابط پرونده کشید
فعال ایامی
ایس - عرض
از جنس شور و
بن در این روزه ج
ش و نیها دارند
تغذیات است
ت جزوی انتخاب
تغذیش و امداد
دم وظیفه خود
بن حال چون
مایشی گردند
موردنگاه این
داده است را
لی تبیان اند
یکنند چون مه
دولت باید با
کلی - سنا تایی
لی رائی خود را
اعم رائی خود
صادر نمی کنم
د آنای نخست
پنهانی پیر مائی
ست و زیور -
وابد اجر اشود
لی پیغمدیه
روش شود آ
لی داده قانون
لی شنبه و
لی خلیل
این تصویر
لث غیر از این
کار دیگری نم
راهید ایشکار
لش گشید که وو
منی دخالتی
داده - «خطاب
الا دولت مجبوب
لک که ناشیه
را گشته را رسید
آ غیر از این
ایران اگر با
عیان اند همچنان
رازی ملی حاک
هیوکس بر
معاشران اگر با
درست راست در
تجهیزات را از ا
نادارم بوقوع اج
ن، ملت هستید

جهنم از میان
سچه زیر دارد ۱
که پندت اخوان
گشته باشند
هر گذشتگان است
هر شنیدن از آن
کشم صلاح و نیز
ای ملی است اما
از این اینسا که
د و آن نظارت
اگر یک دو
دیابات را حفظ
ش سوی اینها
دستان را می
آقای انتخاب
لازم است گفت
خواهای بیان
ای مجلس معتبر
نالق رأی و
پاس رأی داد
نتخابات را شر
نگردد (۲) میر
ز اراده باشد
ش را بدهد
ریس دولت
وزیر مینتو
ن
نایون و قیمت
که جلسه شر
تو شیخ اعیان
کر یک رأی می
رویت نماید و
نایون انتخاب
شده در درست
که این فتویه
ی توافق یکدیگر
بیشترد پایه
را اینست کاران
ش را لایحه برک
پیمانی یعنی
ور است درین
ود وسایح ملی
وقتی اجرای این
من تواند که
من دولت اع
حا گرمیلک
ام مملکت ۱
ای مجلس شور
من متفقده و ای
لات عرضی
فردا که گزار
راخواهم گذاش
با یابن دو از

۱۰۷- ای ایلار - آنکه
۱۰۸- گفتگویی داشت
۱۰۹- تیغچینی داشت
۱۱۰- که در آن روز نمود
۱۱۱- نیز انتها میگشت
۱۱۲- را پس از آن داشت
۱۱۳- کلم انتها میگشت
۱۱۴- خوشوار بود و همه
۱۱۵- از همچویی خود بخوبی
۱۱۶- بخوبی بخوبی بخوبی
۱۱۷- درین روز و طبق
۱۱۸- و پیش از آن
۱۱۹- سوچ کنید پس از
۱۲۰- کار ثابت شد که
۱۲۱- هم میباشد با
۱۲۲- اعذاب و برق بد
۱۲۳- کنم
۱۲۴- یعنی میباشد نظریه

گوچ
گردیده
گزینه
پندت
اگر اصر
آن سایه
(۲۷)
روزی
ملک
انگلیس
فرموده
بوقت
(است)
روزی
۲۰۱۶
جنجال
نیست
که چه پیک
روزی
است که در
پنود اگر
من باید راه
شوهد
پیشاند با
مدلود نیست
رئیس
دولت و قدر
میندند هیبت
گرفته بشد
فرمودند که ا
له مجلس ه
بانجست بردا
وزیر مورد
مجلس رائی
مکی
گرفته شد
شوشتر
نشانهای د
حق آخرش
مکی و
رئیس تفاسی
رئیس
غیرات مشهود
جهال
خانع کنید از
شوشتر
این مقاوله نام
و قیص
کویید اینجا
ذرا خود بودجه
ابزاریه ها
پیشود هر یوط
است یک پیش
بکریم که گزار
نه هرچه مجب

خوب است اگر کنم
کاری اموزد و نه
بهم چیزی نگیر
از این خواسته
نه بخشم (ای
جهلش این هم
ک مردمی
نمی خواستند
نه شد خود را
آن اعتماد خواه
نمی داشت (ص)
مال امامی او
کنید ؟
بیانات آنها
تر مغضوب آن
که سایه لین رو
ای اعتماد نداشت
نه سمعت که
فرزاد در
او و علیش ه
نام است
شنا و ازد پیش
یک از های گفت
ده است که راه
ای تخدست و زن
عیشه اهند بگفت
و دخالتی دارد
ک آنای تخدست
ند باعیین من ا
نم باور نه رأی
که ۸۹ اختصار
آنرا پیغامبر
ست
بلهـ ~ آفای
گردن
ادی هست که
حق اثبات را
ی خواهد
۸۹ رایخواه
است
۸ را که می
ماده می گردید
و قید نامه دار
ابایند اگر
محضر اعلامیه
که باور فرای
وافع بستودیا
د آن کار را

می	می
بند	بند
شک	شک
جود	جود
عین	عین
تشری	تشری
وابا	وابا
صح	صح
ک	ک
اخن	اخن
ملو	ملو
باشد	باشد
گردا	گردا
مکو	مکو
پارز	پارز
رأی	رأی
لين	لين
ذارم	ذارم
برخا	برخا
بودن	بودن
هم	هم
کسی	کسی
نظاهه	نظاهه
در ان	در ان
افترا	افترا
آست	آست
شما	شما
این	این
ابن	ابن
شود	شود
فاجل	فاجل
آکارا	آکارا
می داد	می داد
قالیچه	قالیچه
او روا	او روا
بنافت	بنافت
که م	که م
زاده	زاده
ا	ا

گل
آشیانی
ش - دنی سده
رئیس -
آشیانی
زاجع بازداشت
للماعی بندہ
ذکر معرفت
رئیس -
چمال امام
تے حق دارند
ذکر معرفت
لکم چون ام
دیا کمال آبرو
پیکنام آفایان
بستان را بستند
شم موقت بفرما
مکی و کش
رأی باورده
رئیس - باز
هم باشد یا باو
رأی گرفته
نتند با قیام و
پیشنهاد تراز
هگی - باز
رئیس -
تفه و امنیت
گرفته من ش
گزارش مور
ایند (مکی) :
استند ذکر
آفای ذکر
دشوار موافق
صحت گردید
ی پیر مائید
جمال امام
سرات ک از
بنجا شد پتو
عن می گشتو
رئیس -
جمال امام
ست اگر پیغام
فرمایش
شناخت ک کا
آزاد و کل
و گنجی می
عن معترضیک
عشریں من گنم
اشد معروف
های می باقام
شی پیشنهاد
ولی هیچکار
آن کمی پیغام
کیش ایجاد
درست

زاید - و بعد
نهایی همان کنفرانس
سلام خواسته شد
زاید - الان
کنفرانس از عرض
با این پیشنهاد
لهمی - اجازه
او پیشخواهی دارد
اعمی - آذاید
حروف بزرگ نه
علمی - پذیرد
بروکر یک روز زنا
مندی بر گزارش
اجازه بدهند آن
ماهم جواب
نیمه آذایان ح
نام رز شدن
را پس گرفته
سایه ایشکار
رقه یا پا قاب
شود اگر پیش
فورد رای می
است زداد گرد

بر این دیده از آن
شیخ پدر و مادر
از پسران از خانه
با اینم که اگر کس
کلیله و دمنه
و حمد لله عزیز
و بقایتی از پسر عویض
حالاً هم که
می گویند اینها
بیشتری = آنچه
بیشتری = آنچه
حالاً آنی درود

ی آن دیده
من اینکه من
زدیدم گفت
تویی مهسوس
الشیر بچشم داد
پیکو قدر شد
هزیر روزه
شده خود را پنهان
لآخر روزه بعلی
که همین کند
بیشان بوده
خدمات چون
اشتینه و شیخی
لا بادیگران
ی گوربه و حمد
برن عالی هم
مشاور اشرافی
امن تنظیم ک
گزارش را
خوب مردم
که در گمی بود
نات ایشان آن
کشان چاپ
ای شده بازیم
آفای د گزمه
را زندگانی
همانها نگرد
لا گزمه نگرد
است زلزله
تصدیر است
امروزهم
فردا که شما
نشد آفای د آ
بدگه بین اتفاق
را زندگانی
اعتد گشت ش
اعتد کشت ش
آفای حسین
عیت این دهن
د شما آفای د آ
بن قضیه اهیم
چخواهد گشت
ر تنه که ش
بشوید بیشواز
نگنید آفای
شه بونه) (ز
امت که آفای
آفای د گشت
مزاحم ما بشو
ایین گفتید و
کل آنرا بانگ
هر روزه و عدد
نمیخواهی ک
دن بود که ا
ز روزه اول
آن طرز بیکند
که آفای د آ
دند و بوز ک

۲۰۱۵
بعلتی پیمانی
اندیشات اول
ب زدم زرد بود و در
نیو ورد (مکنی)
(د) گشتن یافته‌ای
آفای د. گلر
حسته داشتند
ش رحمت الله
آن بوده است...
توینی بست...)
با تبره است
آن ایشان با هزار
نم حسته داشتند
حالا که او
ن الله علیه (د) گلر
در دوره ۱۶
کتاب سیاه (۱۶)
آن ایشان چه گلار
جاست (به) بله
ده است بدینینه
د غایبین من
صدق جه بوده
تحکرم، دهنها
بیرون نهاده اش
معراجی خودش
بهم از رویت
حقایق آقا
کشمان پشود
نیستید روش
آخر مهدق شد
بیت الدھبی که
ما باید اهمیت
مکی و آفای
ند تهدید شما
صدق الاطنه
ت تهدید که
ح حالا او مخاطع
ما توانته اید
علی شده اید
د گلر پیشتر در
جه است این بر
بنای آنجا
شی هم چیزی
نده شدافت
در یک هفت
رده میرواند اگر
ای باشند مردم
ز دیم نه لایه
ایدی بسترنی
وقتی همود
آن بند هر س
وروزی صیر
به، به که

دادگستری لاهه اعتراض کردیم اصل اتفاق از اینکه وارد دعوا شد مابصلاحیت گذاشتند که این رأی را احتمل نمودند. این اتفاق را نکره ولی از این مجلس که هست و جانو نرفته است شما که باهم اینها را بدویارید احترام رفاقت را حفظ کنید نیاید این جایگوئید توی روی این بید مردها که شما غلط کرده اید رأی داده اید و من برخلاف

بعد هم این نتفی که در داخل مملکت فروش می‌رود فیت آن عاید خودمانی شود بطوریکه ماهی دو میلیون نومان عاید خزانه می‌شود بلاؤ یواهائی که سابقاً در بانک شاهی میدفت که همیشه و هروقت می‌غواستند فشار اقتصادی وارد بیاوردند در کیشیه‌های خودشان حفظ می‌گردند ولی امروز در اختیار بانک ملی است و بلاؤ مقداری زیادی پر کت ساقی نفت خواه با هرسال اخراج وارد می‌گردند و لآن این هر کت ملی نفت این بولی را که از دولت گرفته در داخله خرج می‌کند بعد هم شبهه را فوی می‌زیرم که شاید تا الان هفتاد هشتاد میلیون تومان در واقع کسرداشت باشیم ولی یک ماتو که برای استقلال خودش مدد میلیون ویا دویست میلیون تومان حاضر نباشد فنا کاری بکند این که مبارزه نمی‌شود خطاب من به آفای وزیردار ائمی به آفای نریمان است که در پرونده مالی ما اگر تمرن کری داده شود یعنی اگر اجناسی که در اینباره است و یواهائی که در جاهای مختلف هست اینهار در یکجا مترکب بکنند مدت‌ها می‌شود اداره کرده مقامات کرد و الان در بازاره مسئگاه مالی دولت بیش از آنچه که هست افراد می‌شرد و می‌گویند ارزیست بنه هرچ می‌کنم خیر به هفدهم بنه دا خیلی ارزداریم حتی لیره‌هائی که از مشترکانه اسکناس برداشته شده مقدارش الان موجود است مقداری از خودستوانه موجود است مقداری هم به بانک ملی فروخته شده که در خود بانک موجود است و بلاؤ شرکت بیمه ما الان یک میلیون و یانصد هزار دلار ایمی دارد که هر چه می‌غواهد بفروشد خریدار مشتری ندارد بنابراین ما نباید خودمان هو و جنجال بکنیم که وضع گفت که کاری نکرده اند، مسافت آفای رئیس - آفای دکتر معظمی دکتر معظمی - بنه عضو هیأت مختار نفت بود در آن موقعی که جریان نفت مطرح بوده بشه سکوت اختیار کردم برای اینکه می‌دانستم صورت جلسات مذاکرات بعداً چنان می‌شود ولی امروز که جناب آفای مصدق گزارشی از عملیات خودشان را داده نموده اینجا را در اینجا یک شهادتی را در مقابل ملت ایران به هرچ برسانم و آن مبارز از اینست که جناب آفای دکتر مصدق از اعضا هیأت مختار با کمال وطن پرستی خواری امانت تصمیم داخلی گرفت که آیا وارد این موضوع بشود یانه گفتند چون یک مرحله دیگری دارد بنا بر این موضوع را بعده آنها می‌گذاریم یس رأی نداده و این عمل بمنزله همان رأی سکوتی است که مادر مجلس می‌دهیم در واعم هدم صلاحیت خودش را بطور غیر مستقیم تصدیق کرده است اما راجع بقسم امور مالی بنه می‌خواهم عرض بکنم و قنی یک ملتی یک جریان مهمی را تعقب می‌کنند این موضوع را به پیچ و چه باجه مالی نباید تطبیق کرد آفای جمال امامی می‌خواهد کار ملی شدن نفترا بدلار وریال بستجد بنه می‌خواهم عرض کنم تاریخ ملل را ملاحظه بفرماید که چه ندا کاریهای برای استقلال خودشان کرده اند کاری مالی فداکاری جانی حکمرانه اند چه سعدتی کشیدند آن دنیان انگلستان را که ملاحظه می‌کردند و بعدم دولت برای اجرایش تعقیب کرد تا اینکه بعد موضوع منتهی شد بشکایت دولت انگلستان بشورای امانت متساقنه هنچ‌باش آفای جمال امامی بخارج تشریف برداشتند و من خیلی متأسفم که بن فرمودند اگر شما دخالت بکنید که افایت صحبت داشت بدینه نیستند که ماشمار از کوچه گرفته باشیم و آورده باشیم یک نفست ولی این مثبت کم من لازم نداشتم از مجلس گرفتم آوردم فرمودید که انتخابات را آزادخواهی کرد ممکن است صدی ۰ صدی ۱ درست باشد و من بفرمایش آفای اعتماد دارم ولی نمی‌گذرانند نونه انتخابات شما آفای ذکائی است که اینجا شانسته ۳ ماه با آخر دوره مانده شاید بودجه نصوبی شده باشد برای مخارج انتخابات دستور دادیده مکار پیش وری را آوردیده شاندید آنجا گفتند چشمیان کور شد این نونه انتخابات آزاد شماست وقتی که جناب عالی امریکا تشریف داشتند این اوخر چند روز بر اجرا شمامند بود من پشت این تریبون جسارت اظهار کردم که خوب بود آفای دکتر نفست وزیر ایران بخلاف شورای امانت باید ایران برای حل و فصل قضايا شما آنجا ماندید این رفاقتی بنه آفای مکی چون بهون سلام و هیله داریم رفاقت فیراز حیاست است این را بنه رعایت می‌کنم . آفای مکی بینده فرمودند کام مصدق السلطنه برای کاری نرفته بود رفته بود شورای امانت و بر گردد ولی یک ماهه برای معالجه مانده باید این کاهل تفريح نیستند حالا خودتان تشریف آوردید گفتند که برای چه مانده بودید شما گفتید کشورای امانت بر علیه اندگلستان را داده این معتقد بنه نیست یقینه من رأی داد این دستگاه می‌گزینم که برای داده باید اینکه دیوان این است که بر علیه مازی داده برای اینکه دیوان داوری لاهه (مجلس اسلامی) - دیوان دادگستری آفایون دیوان داوری منجل شده است) بله آفای دادگستری ما که همیشه بفضل آفای معتبر فیم ما بصلاحیت دیوان

مذاکرات مجلس شورای اسلامی	جهانگیر	جباری	جعفری	جباری	جعفری	جباری
گذرد که مملکت پاسخنه سقوف	وای شما باید گوئیان را بخوردید ، شغل	است ، مادر بیشتر مهندسی داشته باشید	ست .			
داریگر همچیزی زیر نظر نمایم ، حالا آ	تعزیر ، داریه نسبت بافعال اینها مصائب	بینش که این مملکت تعزیز چه مدت این				
اهری خوشش بیاید از عرف ما	ملکت مانع اینها است ، اگر من هم مثل	فشار را دارد یکمادارد ۲ ماه دارد .				
دانم (امامی اهری) بند ، که عرضی ن	چنانی سعادت می‌داشتم یا افلامش آشیانی	ماه دارد این را حساب کنیم تعزیز				
دره . صورت بدآید روزی که آ	زاده آن سید نورانی را درخواست میدیم	راگه بگنی و حساب گنیم شما آمدیده				
شدرو بازها کشیده بینهایت واکثر	پوش عرض میکردم آفرازیان تو که می‌همجو	انجا را می‌حلمنم . توضیح می‌دهد که اگر				

نه و نهد بور، به نهادن خواهند شد
بین آقای دکتر مصطفی و پنمه تئاتر
بود قبلا اورا خواهد سوزاند و
بلکه روز نامه توده ای « مردم من
کرده بود، این دهال است که
می کنند نوشته بود و قنی کمام
اوین کسی را که بکشیم تو هستی
احق نهمن تنها را بلکه همان
مردم را اول خواهند کشت و بدید
ایقاوه نکردنده کجا هستند سران
بیپنید یکشان باقی مانده عجب
هستند این هایخال می کنند که
دانسته اند از این خبر نداشتم
دانسته اند این حرف بچگانه است آخر تحمل
اکلستان بقدار تعامل من و شمات ؟
(دکتر شایگان کمتر است) انشاعله
اینطور باشد از طرف دیگر جناب آقای
دکتر مصدق یکچیز هایی است که بالاخره
باید در این مملکت و در این مجلس روشن
شود شودن آن میرفانید که امریکائیهای
توانند آن کومنکی را که باید بکنند بما
بکنند و انگلیسها نی کذا زاند که آنها
با ما راه بپایند آخر بسیج بکنیم، اگر
میغواهند انگلیس و امریکا و بلوك غربی

درازیدن خطر ناک است این کارها با آتش بازی کردن است، اینکار را نباید کرد و قرقی آمادیم اینکار را کردیم! امید این بود که امریکا بهما کمک خواهد کردند هم که بگویند نه خلاف فرموده اید! امید این بودیم که امریکا بگوییا بهما کوچک کشند اما روز از این خودشما میآیند! اینجا میگویند که منافع نقی آنها اینطور منافع سیاست‌شان آنطور منافع اقتصادی شان دم آنطور، پس بنابراین این شود آنطور کرد آقا مارا نکشانید! باینجا، مصلحت ملکت راهم آقاماسیر درین بندست شما والله اطراقیان شما دروغ می‌گویند، هرچه شما میکردید هیچ‌جکس می‌شکستید و نکر اجنی می‌گفتید، حمال می‌گفتید، پیشرف می‌گفتید بروایی دولت‌ها، ما که این جنارت‌ها را بشما نه کردیم ما که همشه مؤذانه باشما صحبت کرده ایم این تقصیر ماست که در یك موادری باشام هفته‌نی بشماش؟ مگر چه از روز که شما خواسته‌ملت را (الجام) میداردید ملت بشما اعتماد اوطمیان داشت (کشاورز صدر-حال‌المدارد) خوب انتقام الله (کشاورز صدر-اشاعله ندارد از عده ای که استقبال آمدند معلوم شد) اگر آنروز یکه نخست وزیر بشاند بیانند خوب است، آقای کشاورز صدر آن روز من باستقبال آفای طرف دارش، اهستند بتویستند دور الدم هستند... نخست وزیر - طرف داران من

رفت . آن روز که یکنفر نایابند باستقبال
باشما خواهم آمد ولی اینها مطمئن باشید
هیبتهای اطراف فوام را گرفتند (عباس
اسلامی -علی هدین نظر را آنوقتی امضاء
کردیم که شما امضاء نکرده بودید و هنوز
رزم آراء نموده بود) اینها اطراف فوام
را گرفته بودند ولی من آن روزی که
افتاد رفتم سرافش کریم کرد من تنها
بودم بد از گشته شدن رزم آراء هم گفتند
جسدهش را از خاک ببرون بیارید همانهاشی
که سلام و صلوات برایش میفرستادند
(شوشتري - اس-اس او بودند) حالا
شما مسلک ادامه کردند و داشتند

صوبت کنند یا نیم ساعت باید حرف بزنند
شاهد هستند آفای مکنی و آفای حاضری
زاده (صحیح است) بنده آفای که میخواستم
برویم نمیدانم هیئت رئیسه چهارمی خواهد
داد آدم اینجا آفای حاضری دا کشتم
کشان آفای حاضری الان حاضر است و از
ظرفیت این شرافت و وجودان موضوع مملکت
موضوع شرافت و وجودان موضوع مملکت
است ما اگر رأی بنهیم که مکنی دا
نکشانند حرف بزنند اینکار آبروی می
را میبرد اینجا حیثیت ما ازین میروند ما
ادعا کردیم باید بملکت خدمت کرده شما
چه تضمیمی داریده البته آرزوی خیلی آهسته
ودور از دیگران (حاضر) منهن هین این
عمل را همکردم باقیها (ایشان) گفتند که
من باشما موافقم دونفر شدیم (مکنی-یکی
هم آفای دادرور بود) میخواهم حاضرین را
بگوییم که نگوینده که از مرده ها و قاتیین
که وقتی اند و یستند صحبت می کنند دونفر
ویگر که باشند موافق شدند و در دوره
۱۶ انتخاب شدند یکی آفای دادرور بود
و یکی فومن یکی هم آفای موسوی و یکی
خوزستان دادرور را که بدم کنار مطلبی
را که با آفای حاضری گفته بودم باشان هم
کفتم گفتند که منم موافق و کربلهم کردم
رقیم پسر اغ آفای موسوی کفتم آفای موسوی ما
با یاری بدھیم که مکنی حرف بزنند ایشان گفتند
منهم باشما موافق ما چهار نفر شدیم و
رقیم هیئت رئیسه در آنجا صحبت شد البته
مخالف موافق حرف زدند بنده آنجا
به و الله که صیفه قسم است گریه کردم کفتم
آفای پدرانم باین آب و خاک خدمت
کرده اند ما ناید آلت بشویم و یکنداریم
حق این مملکت و حق این مردم را یکنداریم
ناید جلوی حرف آفای مکنی را بگیریم
وصدای ایشان را خفه بگنیم که ایشان
توانند حرف بزنند شما رأی بدھیدا گرچه
نگذارند ما کیل بشویم آفای دکتر مصدق
بنده از آن ناید کانی که امروز طرفدار
شدید شما هستند و در آن روز پنده حمله
می کردند شنیدم که اگر این رأی راندھید
سلطنت اهلیحضرت ازین میروند
رئیس- آفای فولادوند این مر بوط
بیشنورد شما نیست
فولادوند - هین آفای کشاورز
صدر بود که بین حمله کردند که سلطنت
اهلیحضرت در خطر است
رئیس- ازموضوع بعث خارج نشوید
کشاورز صادر- ماده ۹۰
فولادوند - کفتم آفای کشاورز
صدر سلطنت اهلیحضرت او تباطی با کار
مجلس ندارد چرا بیان شاه مملکت را
داخل می کنید؟ ما قبول کردیم و یکی
مردم شدیم مارا بکشند بیرون بینندگان
را نمی کنیم رأی گرفتند و بعد الله رأی
نداشیم و نگذشت: تیم که جلوی صحبت آفای
مکنی را گشترند.

میتواعده که این دولت بروز و به کار امتباز را تمام یکنند و با اینکه لاقل در انتخابات همایانی نگذارد که میتواند بعد از این جهت کاری موافق بگذرد اصل نظر آنها این است نظر آنها این است که یا این دولت بقیه و دولت دیگری باید که مظفر و مردم آنها را همی بگذرد یا اینکه در انتخابات همایانی بگذرد که مجلس بعد تمام معنی مقاصد آنها را انجام بدهد بنابر این شدند بیچو جه خاضر نیست که دقیقه ای در انتخابات تأخیر بشود بجهت اینکه هر تأخیری که در انتخابات بشود برخلاف مصالح مملکت است یعنی من دولتی نیستم که بخواهم تأخیر را قبول بگنم شما که در مجلس رأی به تاخیردادید فقط هلت را این ذکر کردید که نخست وزیر نیست ولی دلیل دیگری برای تأخیر نداشته اید اگر شما دایلی داشتید برای تأخیر می گفتید این دلیل باید انتخابات تأخیر و عدمورث بقول ملت ایران بود و شما تنها دایلیتان این بود که نخست وزیر نیست ولی حالا که نخست وزیرستان آمده ویگر دایلی ندارد اما این که فرمودید وقتی که امریکا نیها با امام راهی بگشته باشد از ملام و از استقلال خودمان بگشته باشد از فرمودید یعنی آنچه را که بمام کویند قبول کنید بنده هبیوقت زیر باز این مطلب نمی روم (صحیح است) من آدمی هستم که با این حال کمال و با نام نانونی خودم تا نفس دارم برای آزادی و استقلال این مملکت مبارزه می کنم (احسن) خودش را تابع شر کت نفت معلوم الحال و عملی او بگند ملت ایران باید مبارزه بگذشت آزادی واستقلال و سیاست و اقتصاد و همه چیز خودش را در دنیا حفظ کند و همان شوونی که در تاریخ خود داشته مجدد آن را برقرار کند (صحیح است) اما اینکه فرمودید عدم رهایت قانون، من هیچ وقت برخلاف قانون کاری نکردم شما باید رأی در مجلس دادید و بیک قانونی هم گذراندید اگر دولت به وارد اقدام کند آیا باید قانونی که تمام مراعل را علی کرده اجرا کند یا اینکه بیک رأی را که داده شده (فرامرزی - بنظر مجلس باید احترام گذاشت) دولت باید قانون را اجرا بگذند دولت وقتی که فرمود اجرای قانون به صلاح مملکت است و بیک روز تغیر جایز نیست البته قانون روزه را بیک رأی مجلس که هنوز قانونی نیست باید ترجیح بدهد و من چیزی برخلاف اینکه واقعاً جناب آفای جمال امامی گله بگذشت در این مجلس هرمن نکردم من عرض کردم اگر من باید کار بگنم من باید قانون انتخابات را اجرا کنم یعنی انتخابات را شروع کنم و من عرض کردم اگر شما با شروع شدن انتخابات موافقید بدولت رأی اعتقاد بدهید و اگر مخالفید بدولت رأی ندهید دولت برود هر دولتی کصلاح مملکت است بیاورید شروع بکار کند بنده برخلاف گفتار خودم همی نکرده ام بیک روز بندمه عرض کردم که اگر کار نفت حل نشود من خودم بایم در این مجلس و می خواهم که بیک حدتی انتخابات هف قب بیشند ولی امروز تمام مطالعات خودم را کردم و از اطلاعاتی که در خارج کسب کردم باین نتیجه رسدم هر بیک روزی که انتخابات هف قب بیشند بضردما تمام خواهد شد و من نمی توانم این مسئولیت را قبول بگنم آفایان شما نامندگان ملت هستند اختصار مملکت

ماراً بودیدند می گفتند که شما مملکت خودتان را آزاد کردید این یکی از آن کارهای نیست که کسی بتواند از کاری که نیست که کوچک بود در صلح جهانی مملکت اهمیت بسیاری نداشته اگر یک ملت برای آزادی خودش برای استخلاص خودش از استهله از خواهد کاری بکند نیاین از این بترسد که بول بهش نرسد نیاین از این بترند که ناش کم شد تنشی کم شد ملت باشد فداسخواری بکند جانشانی بکند تا این مقسود خودش را کاملاً انجام بدهد اما راجع باین که ایشان فرمودند که روزنامهها باقلبت بدمع تویستند و این روز نامهها منسوب بدولت است بنده این را قویاً تکذیب می کنم بهجهت این که در این مملکت روزنامه هائی هستند که بایشان بد می اویستند و روزنامه هائی هستند که بن بد می تویستند (صحیح است) مردم آزاد هستند که بهر کس می خواهند بدمع تویستند و من و بهر کس می خواهند بدمع تویستند و من برای این که هیچ وقت کله ای از کسی نکنم در اولین روز هائی که نخست وزیر شدم گفتم روزنامه ا هر چه برای من بنویستند مخاطراند بگذرید بنویستند من از هیچ کس گلن نمی کنم چون می دانم که در این مملکت بهمه نهضت می دهنند اگر بنده می خواستم بازور نامه ای که بد می نوشت طرف بشوم که نهیتوانستم کار هایم را انجام بدهم هر چه می تویستند بنویستند مگر به من در مجلس کسی ناسزا نگفت ولی من با کمال خونسردی تمام اینها را در مصالح مملکت قبول کردم و تحمل گردم من در اینجا گفتم اگر شما بر قیس دولت برای پیشرفت کار مملکت برای مصالح مملکت بدگوئید اهمیتی ندارد ما برای کشته هدن هم حاضریم اگر دولتی وزیر ش کنک بخورد نخست وزیرش فعش بشنود اینها در راه مملکت هیزی نیست که ما از سیم و از مبارزه خودداری کنیم آن و زیر بر خلاف ادب حرف زد حق نداشت به مجلس بدگوئید راجع بعلت تأخیر انتخابات بنده خودم بعناب آقای جمال امامی هرض گردم من چون کار نفترا شروع کردم و تایین کار نفت تمام نشود نمی توانم کفاره بیوئی کنم برای اینکه خواهند گفت که من نتوانستم کاری بکنم من هستم ناکارانفت تمام بشود ولی اگر کار نفت تمام نشد و چند روزی مغطی شدیم برای خاتمه کار نفت حاضرمن در مجلس بیایم و عرض کنم که چند روز انتخابات تأخیر شود نه ایشکه مجلس تمدید بشود بنده مظلقاً تمدید هرض نکردم (جمال امامی - بنده هم همان تأخیر را می گفتم) اما جرا حالا نمی خواهم که تأخیر بشود بجهت اینکه بنده می دانم که دولت انگلیس می خواهد امتیاز را درست کند فلا

خودمان خودمان را گویی بهمین بیکار
صنعت نفت را ملی کرده و ای همان می
ای که امتیاز ساین بناده ایشان می
حالاتم باشد زاین علت بود که روز
بنده از قبول پیشنهاد جناب آفای
امامی خود داری گردم چون می داشت
که اندگانها ظرف شان چوبست پس از
رزم آرا ما قانون ملی شدن صنعت نفت
در کمیسیون پیشوازی رسانیدم بعد از طبق
مجلس مأمور شدم که مواد اجراییه
را مجلس پیشنهاد کنم انگلیس ها هم
قدر کردیدند این مواد اجراییه در کمیسیون
در شرف اختتام است اقدام گردند
دولت آفای علاوه را از سر کار بردا
و دولتی پیاووند که نظریات آنها را
کند آفای هلاه با اینکه خیال استعفانه
استعفای کردن البته بمنهود خودم قبل ازی
ایشان استعفای بدنه در نظرم هست که
پیشنهای پنجم یا چهارم ارديبهشت
عصر پر کردم که من خط
برای خودمان می بینم و همان روز
کردم که این ۹ ماده را بگذرانم پس
این که این ۹ ماده در کمیسیون گذشت
این که مجلس نایاب دولت را اندخته
نظر این بود که دولت دیگری پیاو
و آن دولت کاری بگزند که این ۹ ماده
مجلس نایاب و آن دولت کار کمیسیون
نظر مجلس را بطور کلی عقیم بگزند
جناب آفای جمال امامی در جلسه خصوصی
از روی کمال محبتی که بنداشتند فرمود
کچه ضرری داردما کامروز برای
تمایل حاضر شده ایم آفایان نایابند که
بد کثیر مصدق رأی بدنه بنشد حالا
دانم کایشان می دانستند که من قبول
کنم یعنی دانستند (خنده نایابند گار)
ولی بلا فاصله پس از این که ایشان پیش
کردن بندۀ فوراً قبول کردم که
امامی — اینجاهم اصرار گردم که
رأی بدنه (وقبای من هم یک مخطو
را از نایابند گار برداشت بجهت این
بلافاصله همه نایابند گار کف زدن و خواست
بقیام و قعده رأی بدنه خود حاضر نشست
و آدمیم در این جلسه هلنی و نشسته
باوره رأی گرفته ایشان آمدند دره
جا فرمودند که بر نامه خودتان رایا
و دولت خودتان را هم تشکیل بدهید عزیز
کردم این توافق بجهت این که اگر دو
تشکیل می دادم و بر نامه ایم آوردم آن
احساس می گردم که اساساً این ۹
رادراین مجلس نمی گذاشتند تصویب
باشد بنده بجهت این ۹ ماده قبول از شنا
هر قرار دادم که بعد از شناختند
دولت و قبل از تقدیم برنامه دولت بمع
تصویب شود و اینکار هم شد تصویب ای
ماده از مهمترین کارهای بود که بادر
جاده اروپا در آمریکا در سایر جاهای

هم واکماز کنند بنفع ما رأی خواهد داد
حسی اند بوضمی اینکار خانه بده که
اطمینان دارم آفایان نایابند گار میزام
مجلس هم از دادن رأی به جنابعالی که در
این سن وضعی مراج این مسافت شنکنی
را تعامل فرمودید و این زحمات را غبیل
فرمودید کوئاهم نهادهند گرد (صحیح
است)

ریپیش — آفای نخست وزیر پفر مائید
نخست وزیر — جناب آفای جمال
امامی در زمانیکه رزم آرا نخست وزیر بود
با ایشان مخالف بودند این را کاملاً تصدیق
می کنم و برای این مخالفت درست
نم دانم چند جا سه منطقه بنده تشریف
آوردن و مذاکره فرمودند که من نخست وزیر
 بشوم با ایشان هر سه کردم که این مقام را
من نمی توام قبول کنم بجهت اینکه آن
چیزی را که اینکلیس ها می خواهند نیتوانم
اجر بکنم و گذشته از این کسالت شدید
من مانع از این است که من قبول کار کنم
بنده قبول نکرد و بکار خود در کمیسیون
نخست ادامه دادم بعد از قوت رزم آرا اصل
می شدن صنعت نفت در مجلس تصویب
شد البته اینکلیس هایا بایک حرفي که یک
اصلی داشته باشد ولی فروع هم داشته
باشد الان هم مخالف نیستند می گویند
اصل ملی شدن صنعت نفت را می قبول می
کنیم اما شما باید باما کاری بگزند که ما
همان مناقی را که از امتیاز میریدم
همان طور بهره مند بشویم دولت
انگلستان اصل ملی شدن صنعت نفت را
در فرمول هر یعنی کمرضی الطرفین دولتین
ایران و انگلیس بود شناخت آن فرمول
جهنمی گویند همی گویند اکشاف استخراج
شد دولت ایران دعوه کرد که میسیون
انگلستان با ایران بیاید و مذاکره شود
و فتنی که استوکس آمد استوکس چه گفت؟
استوکس گفت که آن شرکت نفت دیگر در
ایران وجود ندارد، بسیار خوب او گفت این
شرکت نفت در راهی دیگر است، گفتیم
برای ما ضرر ندارد، گفت این شرکت
نخست می خواهد مقنن مهی نفت از
شهاب غرد، گفتیم فروشته عصیم، گفت
برای مدت ۲۰-۳۰ سال هم می خواهد بفرد گفتیم
شیلی خوب اصولاً واقعیم ولی در مدت شیلی خوب
کنیم، گفت ولی این هر کت نفت که
این مقدار مهم نفت ای این هر کت نفت که
نیست که بتوانید شما این مقدار نفت را
باو بر سانده می خواهد در اینجا
بلکه آزادی را مأمور بگزند که نفت را داره
بگزند و بعد حساب نفت را بدولت ایران
بدهد و پنجاه درصد خودش بردار و پنجاه
درصد هم که جنابعالی بکار برداشید
که بطور مسالمت آمیز این وضع نفت حل
شود اینهم قابل تقدیر است و البته ملت ایران
همبا این روش و طریقه مسالمت آمیزی که
جنابعالی اتخاذ فرمودیدند نایاب کرد که
با ملته انگلستان دشمنی ندارد بلکه با
یک شرکت فاسی طرف است و تمام این
مراحلی را که طی گردید بمنی ثابت شد
که ملت ایران مایل است با دولت
انگلستان کنار یابد و دولت انگلستان هم
به تبعیت از افکار ملت ایران و با اینکه
و اقت اگر با هکار عوی خود انگلستان

بهادری دکتر سید امامو:

رئیسی - آفای نخست وزیر
نخست و فریر از این اضطرار اعتمادی
که نسبت بدولت بند شد از نایندگان
معترض شکر میکنم و همنا تهدید می کنم
که انتخابات را با یک نظر بی طرفی به
نهایت توجه بدون اینکه هیچ یک از قوانینی
که تاکنون دخالت می کردند دخالت کنند
انجام دهم (احسن) .

(در این موقع از طرف تماس ایجاد
نظام ارثی نسبت به نخست وزیر به عمل
آمد)

رئیسی - آفایان که برخلاف آینین نامه
مجلس رفتار میکند و انتظامات را مخدوش میکند
دستور میدهم در جلسه دیگر اجازه تور و بآنانه دهنده
(۴) تعیین موقع و دستور جلسه بدهد
ختم جلسه

رئیسی - فعلاً جلسه را ختم می کنیم
جلسه آینده روز سهشنبه خواهد بود دستور
هم چند قوه شهریها مطرح خواهد شد
(یکساعت و بیست و پنج دقیقه بهداز
ظیر جلسه ختم شد).

رئیس مجلس شورای ملی -
رضاحکمت

از اباب حسن اکبر محمدعلی فرشی
کفرگانی خاکباز سودآور دولت آبادی
دکتر کیان، فهرمان دکتر طاهری دکتر
معتهدهی توپت حسن مکرم ظفری
فباریان دکتر هدایتی نبوی سلطانی
الملاءه رفیع کشاورز صدر ابرشمکار
دکتر کاسی اللہیار صالح فتحعلی اشار
هامری محمد دوانقفاری وهاب زاده
فقیزاده مجید موقر امیر اشاری شادلو
مغیر فرهمند دکتر شایگان فرهودی
بوداغیان دکتر نبوی صدری مجتهدهی
کهبد محمد هرایی معلم سلطانی ملک
منی سرتیپزاده گنابادی افشار صادقی
جعیدی دکتر جلالی رضوی هرب شیانی
صفوی دکتر علوی علی محمد هفغان
آصف اسلامی بزرگ نیا خزیمه علم
محسن طاهری کودرزی فولادوند
دکتر طبا دکتر بقائی برومند محمد فرشی
دکتر برال میر مجید موسوی ذکائی
اسکندری شهاب خسروانی میر سید علی
بهبهانی سعید مهدوی صدرزاده ناظر
زاده صاحب چم معین زاده ناصر
ذوق افقاری فرامرزی خسرو قشقانی
موسوی آصف سید مهدوی فرشی
بزرگ نیا قیا زبان دکتر کاسی صفائی
ظرفی توپت خاکباز کفرگانی
رضوی سلطانی آبکار منصف
شادلو خزیمه علم شکرگانی گودرزی
هامری موقر مغیر فرهمند خسرو قشقانی
دکتر طاهری برومند دولت آبادی
سالار بهرادی فهرمان شریعتی
دکتر علوی معین زاده معلم امامی
د کثر مظمنی محمد ذوق افقاری حاجی
زاده فتحی زاده دکتر کیان دکتر
بقائی دکتر طبا حکمی امامی اهری
صفوی شوشفی حسن اکبر هبایسی
گنجه وهاب زاده سرتیپ زاده اشار
نصرتیان فرامرزی اللہیار صالح دکتر
شایگان حسین مکی جعیدی دکتر نبوی
حاذقی کشاورز صدر بوداغیان اشار
صادقی محمد ارباب گنابادی نبوی
سلطان الملاءه صاحب جمیع پیراسته
قاسم فولادوند تیمور تاش اسلامی
دکتر جلالی کهبدی بهبهانی منک مدینی
اعظم زنگنه فضنیری بیالبری عرب
شیانی سودآور طاهری عداد تیغی
مکرم بهادری امیر نصرت اسکندری